



به حزب

و دو مقاله دیگر

و ۱۰۰۰ نفر



www.iran-archival.com



A-4

35

بخش از انت

۱۵ ریال

www.iran-archive.com



ترجمه و تکثیر:
دانشجویان هوادار
حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران

فهرست

- ۱ - به حزب صفحه ۲
- ۲ - پیشروین قطعنامه درباره اقداماتی که برای برگرداندن آرامش به حزب باید انجام شود صفحه ۸
- ۳ - گزارش درباره وحدت حزب و احراف آنارکوسندیکالیستی صفحه ۱۲

www.iran-archiving.com

ویراستار: رفیق فقید مهدی نجفی

به حزب

رفقا! این موضوع که حزب ما بحران شدیدی را می گذراند تا به حال بر همه معلوم شده است. و در واقع مستقیماً و آشکار در ارگان مرکزی مابهم بیان شده است. ما این را وظیفه خود میدانیم که از تمام اعضای حزب بخواهیم که تا آنجا که ممکن است به سرعت بدون خستگی نقش آگاه و فعالی در پایان بخشیدن به این بحران به عهده بگیرند.

رفیق پلخانیف که در کنگره حزب و مدت‌ها بعد از آن در کنگره اتحادیه خارج به اکثریت کنگره حزب تعلق داشت حالا در شماره ۵۷ این مکتوب به عنوان قهرمان خواسته های اقلیت به پیش می آید، و کمیته مرکزی را به "گهراز مرکز"، سختگیری در سیاست و امتناع از قبول همکاری با طرفداران اقلیت که فقط به نفع دشمنان ماست، متهم میکند. چنین همکاری، از نظر رفیق پلخانیف چیزی نیست جز "تهاراه نجات حزب ما از موقعیت بحران شدیدش که به شدت مواضع ما را ضعیف میکند و مواضع دشمنان و مخالفان بیشمار ما را تقویت میکند." رفیق پلخانیف میگوید انسان نه فقط باید بوسیله قوانین هدایت شود. احتمالاً در اشاره به این بحران شدید است. بلکه همچنین باید بوسیله وضع واقعی امور بوسیله رابطه موجود نیروهای درون حزب هدایت شود. انسان باید با تراز محفل و مواضع ایدئولوژیک قرار بگیرد تا آنچه را که کارگران را متفرق میکند تا به جای چیزی که آنها را متحد می سازد و ارائه دهد.

این اصول کلی بدون شك صحیح هستند، و فقط باقی می ماند که هر وسیله دمکراتی خود را در اختیار بگیرد و واقعیتها آشنا سازد و جدا در این موضوع بیاندهد تا بتواند به درستی آنها را به کار ببرد.

بله ما باید بدون هیچ کوتاهی، به هر قیمتی که شده بدون وا همه از کار طاقت —
 فرسائی که در پیش داریم، حزبوا از روحیه محفلی، از فرقه گرائی و تفرقه وجدائس
 درباره موضوعات بسی اهمیت، وازداد و هوار زشتی بی ارزش درباره "چوب
 رهبر ارکستر" نجات بدهیم پس برو قایمی که در حزب ما از کنگره دوم به بعد
 گذشته خوب نگاه کنید • شجاعت این را داشته باشید که زخمهای ما را
 نشان بدهید تا بدون دورویی یا خدعه درد را تشخیص و معالجه درست راه کار
 بدهد • حال دیگر صورت جلسه کنگره دوم بطور کامل منتشر شده و همچنین صورت
 جلسه کنگره اتحادیه خارج هم دردسترس اعضای حزب قرار گرفته است • ادبیات
 حزبی تا به حال بسیاری از نمودها و ملامت بحران ما را آشکار کرده است، و اگر
 چه هنوز کار زیادی باید در این زمینه بشود، ولی یک جمع بندی حتمی میتواند
 و باید انجام بگیرد •

کنگره دوم مبارزه سختی درباره ترکیب سازمانهای مرکزی ما پایان یافت •
 با اکثریت ۲۴ به ۲۰، هیئت تحریریه سه نفری ارگان مرکزی انتخاب شد (پلخانیف
 مارتف و لنین) • و کمیته مرکزی هم به همین ترتیب از سه رفیق تشکیل شد •
 مارتف از اشغال سمتی که به آن انتخاب شده بود امتناع کرد، و او و تمام
 اقلیت از شرکت در انتخابات کمیته مرکزی امتناع ورزیدند • از همان زمان کنگره و
 اقلیت نبرد سختی را علیه سازمانهای مرکزی، جنگ منظمی علیه چوب رهبر
 ارکستر، جنگ منظمی از روحیه محفلی علیه روحیه حزبی، جنگی را شروع کردند تا
 هیئت تحریریه سابق را باقی کند و (از نظر اقلیت) تعدادی از طرفدارانشان برای
 کمیته مرکزی انتخاب بشوند • این جنگ ماهها ادامه داشت، و همراه بود با
 دست کشیدن کامل اقلیت از کار کردن تحت هدایت سازمانهای مرکزی، همراه با
 تحریم آنها، و ابراز موعظه های صرفاً آنا رشیستی که اعضای حزب در صورت

جلسات کنگره اتحادیه بسیاری از این نمونه‌ها را خواهند یافت. این مبارزه
 مدتها در خارج متمرکز بود، در میان بخشی که از کار مثبت و از شرکت پروتورها آگاه
 به منافع طبقاتی بیشتری فاصله را داشت. این مبارزه سازمانهای مرکزی ای را
 که کنگره دوم انتخاب کرده بود درگیر سفرها، جلسات و مذاکراتی کرد که هدف
 دادن وحشتناک انرژی آنها بود و بدین منظور صورت میگرفت که ناراضیاتی ها،
 مشاجرات و جر و بحث های جزئی بی پایان را رفع میکند. این که خواسته های
 اپوزیسیون کاملاً رابطه نیروها را، چه در کنگره دوم و چه در حزب به طور کلی
 در نظر میگرفت، میتوان مثلاً از این واقعیت دریافت که درحالیکه نویسندگان
 ارگان مرکزی (پلخانسف و لنین) با همکاری دو نفر از آنها موافقت کرده بودند
 به این معنی که به بودن نمایندگان مساوی از طرف اکثریت و اقلیت
 در دادند. اپوزیسیون خواستار اکثریت عظیمی (چهار به دو) در هیئت تحریریه
 بود. به طاعت خطر شکاف و تفرقه حتی و فوری سازمانهای مرکزی بالاخره چند
 امتهاز به خواسته های راجع به چوب رهبر ارکستر داد: نویسندگان انتخاب شدند،
 لنین از هیئت تحریریه و شورا استعفاداد، یک عضو اکثریت دیگر هم به همین ترتیب
 از شورا استعفاداد، سازمان دهی مجدد اتحادیه خارج، که کنگره اش،
 همه تصمیمات کنگره حزب را به مسخره گرفته بود، اجازه یافت که از اصول
 منحرف گردد، و به اپوزیسیون در کمیته مرکزی دو محل برای عضویت پیشنهاد
 شد. اپوزیسیون این پیشنهاد را رد کرد، اپوزیسیون آشکارا خواستار تعهد
 نهادی کرسی بود، و این کرسی ها را برای کسانی میخواست که توسط
 کمیته مرکزی انتخاب نمیشدند، بلکه اپوزیسیون آنها را معرفی میکرد. نه رابطه
 بین نیروها و منافع کاری میتواند کوچکترین توجهی برای چنین خواسته هایی
 ارائه دهد: تمامی آنچه که در پشت چنین اولتها تومهایی قرار دارد، خطر

شکاف و تفرقه و کارهای فشار که به نحو زشتی مکانیکی هستند • مثل تحریم و خودداری از پرداخت هزینه می باشد •

حزب به خاطر جنگ برای پست و مقام ، که نیروهایش را از کار مثبت منحرف میسازد ، غیرمتشکل شده و تا نهایت درجه ، وجه اش تضعیف شده است این تضعیف روحیه نه تنها کم نشده بلکه به خاطر این واقعیت که اختلافات به اصطلاح اصولی اقلیت به این مبارزه رنگ کاذبی بخشیده بود ، بالا تر هم رفته بود •

ما همه متفقا موافقت کردیم - و این را با رها و با رها ما موکداً گفتیم - که تمامی تصمیمات کنگره دوم را به رسمیت بشناسیم و تمامی انتخاباتش بطور نامشروط ، الزامی و اجباری دانستیم • حالا اقلیت در عمل کلیه قوانین و تمامی انتخابات را منکر شده است ، حالا کسانی که از تصمیمات مشترک حمایت میکنند " فرمالیست " شده اند - به کسانی که قدرت خود را از کنگره دریافت کرده اند برچسب " بوروکرات " میزنند - کسانی که به خاطر رای اکثریت ، که (به خاطر موافقت مشترک ما) رابطه نیروها را در حزب نشان میداد ، مواضع خود را حفظ میکنند متهم به داشتن نقطه نظرات مکانیکی و بوروکراتیک میشوند • کسانی که در کنگره از طرف اعضای حزب مسئولیت انتخاب مقامات حزب را داشتند ، و بعضی از نویسندگان را به مقام همکار و هم دست هیئت تحریریه و بعضی از اعضای کمیته سازماندهی را به بیچ و مسهره تهدیل کرده اند ، و غیره و غیره • موضع نامحکم و نااستواری که اقلیت در کنگره حزب گرفت ، به طور اجتنابناپذیری به این بی صداقتی انجامیده ، که ما از نسبت دادن آن به خواست ذهنی یک نفر به دور هستیم •

آیا وقت آن نرسیده که به این کشمکش و فرقه گرایی پایان بخشیم ؟

بگذار هرکس که نگران آینده حزب ماست، این سؤال را از خود بپرسد .
 آیا وقت آن نیست که پایان قاطعی به این جنگ برای کنترل سازمانهای
 مرکزی و ستیزه برسر مقامها، که چنان تاثیرات مخرب بر تمامی کار ما داشته
 است بدهیم ؟ آیا مناسب است که دوباره ، بعد از ماهها و ماهها مذاکره ، —
 مذاکرات جدیدی را با پوزیشن شروع کنیم ، و یا این سؤال را مطرح کنیم که
 کمیته مرکزی يك جانبه یا مرکز گز است ؟ برای طرح این مسئله ، پس از پذیرفتن
 همکاری نویسندگان که به نظر میرسید که آرامش را تضمین میکند ، بطور اجتناب —
 ناپذیری دوباره مسئله يك جانبه گي و مرکز گز — حتی روحیه ضد حزبی —
 ارگان مرکزی را جلوی آورد . تا چه مدت قرار است که ما مشغول داد و بیداد شرم —
 آوری دوباره ترک سب سازمانهای مرکزی باشیم ؟ چگونه میتوانیم این مسئله
 را حل کنیم که کدام طرف درخواستهایش محق است ؟ با چه معیاری این را
 اندازه خواهیم گرفت ؟ چرا باید " طرفداران سخت گیری " (FIRM-LINERS)
 را سخت گیر خواند ، در حالیکه آنها به مقدار زیادی به تصمیمات کنگره گردن
 نهادند ، در صورتیکه این " طرفداران ملایمت " (SOFT-LINERS) بودند
 که در صل معلوم شد که به نحوی غیرمادی در گرایش خود برای تفرقه و آمادگی
 مستقیم برای تفرقه با برجا و محکم هستند ؟

بگذار فقط در نظر بگیرند که این موقعیت غیرمادی را چگونه میتوان پایان داد .
 کمیته مرکزی امیدوار بود که با تغییر کابینه در ارگان مرکزی بتواند آرامش را برگرداند .
 وقتی که این مشاجره خیلی به درازا کشید ، وقتی که جنگ بر سر چوب رهنبر
 ارکستر ما را به لبه شکاف و تفرقه کشاند — فقط يك امید باقی مانده بود : رسیدن
 به نوعی ترک رابطه (disengagement) به نحوی که در کار یکدیگر
 مداخله نشود ، به نحوی که به تدریج در روند کار درون يك حزب ، اصطکاک و

و اختلاف کاهش یابد، به نحوی که زخمها مجدداً دستکاری نگردد. —
 به ندرت لمس شود. انسان ممکن است فکر کند که تقسیم سازمانهای مرکزی اقلا
 تا حدی پایان بحران را تضمین میکند: اقلیت ارگان مرکزی را برای خود شنگه
 دارد و میتواند آزادانه به دوران گردآید، آزادانه از نظرات خود دفاع کند،
 آزادانه کار حزبی خود را پیش ببرد، بدون اینکه حس کند که در حزب "بیگانه"
 است. و اکثریت هم کنترل یکی از سازمانهای مرکزی را برعهده داشته باشد —
 کمیته مرکزی (در آنجا از لحاظ تعداد نسبت به اقلیت بیشتر باشد) — و از این
 نظر اکثریت هم میتواند است اقلا احساس رضایت بکند. جنگ بر سر سازمانهای
 مرکزی میتواند پایان یابد و جای خود را به روشن کردن مسائل امید نولوژیکی
 محض مخالفتها و اختلاف عقاید بدهد.

این امید با مطرح کردن مسئله انتخاب برای کمیته مرکزی از طرف ایسکرا
 در هم شکسته شد. ما این را امکان پذیر نسیم تا هم که دوباره مشغول چانه زدن
 بر سر هست و مقام بشویم، چون ما از زلفت آنگده میسازد. اگر اقلیت نمیتواند
 بطور مثبت در حزب کار کند مگر آنکه در مقامهای بالا باشد، ما واقعاً ترجیح —
 خواهیم داد که تمام چوبهای رهبر ارکستر را به اقلیت بدهیم، و هر راه حل
 دیگر را رد میکنیم. آمادگی ما برای اینکار همچنانکه این مرض کوبه در جنبش ما
 ادامه می یابد روبه افزایشش می رود. چون این نزاعهای خرد، و چون خرد
 هستند غیر قابل تحمل تر نیز هستند، دارند مزمن میشوند.

ولی اول میخواهیم با تمامی قاطعیت ممکن نظر حزب را بدانیم، و میخواهیم
 با نظر انقلابی عموم، به ویژه در درون روسیه مشورت کنیم. ما از رفقا دعوت
 میکنیم که واقعیت های مربوط به "بحران" ما را از نزدیک بررسی و مطالعه

کنند، ارزیابی کاملی از موقعیت فعلی حزب به عمل آورید، و نظرات خود را درباره این مسئله بیان دارید.

بر اساس دستنویس	نوشته شده در آوریل
منتشر شده است.	فوریه ۱۹۰۴
ترجمه از متن انگلیسی کلیات	مارس ۱۹۲۹
لندن - جلد ۷ صفحات ۱۹۰-۱۸۶	در مجموعه آثار لندن، جلد ۱۰
	انتشارات

پیش نویس قطعنامه درباره

اقداماتیکه برای برگرداندن آرامش به حزب

باید انجام شود.

ارائه شده در ۱۵ آبان ۱۳۰۵

نظریه خصیلت و اشکال بروز اختلاف بین اعضا و حزب در رابطه با دو مبین کنگره عادی حزب، شورای حزب بنحویهرمی ضرور میداند که از تمام اعضا قویا بخواهد تا بطورهماهنگ تحت هدایت مردم و نهاد مرکزی حزب یعنی ارگان مرکزی و کمیته مرکزی باهم کارکنند.

مقطع تاریخی که اینک روسیه از آن عبور میکند - افزایش عظیم جوشش انقلابی در داخل کشور و پیچیدگی های بین المللی، که ممکن است به جنگ منتهی شود - همه ویژه وظایف جدی را در مقابل پرولترهای آگاه به منافع خود که اینک در خط مقدم جبهه برای رهائی تمامی مردم از یوغ استبداد نبرد میکنند قرار میدهد. نیاز به کارهماهنگ تحت هدایت مردم و سازمان مرکزی حزب به خاطر تقویت سازمان و گسترش آگامی طبقاتی و همبستگی هرچه بیشتر توده های طبقه کارگر، مرکز تا این حد مبرم نبوده است.

اختلافات فردی درباره سئوالات مختلف در تمام زمینه ها همیشه در حزبی که متکی به یک جنبش توده ای وسیع بوده است و وجدان بیدار این نوع جنبش ها من باشد و موکدا تمامی روحیات محفل گرایی و نظرات تنگ سکتاریستی وارد میکند، طرح میدون شک بازم طرح خواهد شد. ولی اگر اعضا حزب ما بخواهند که نمایندگان شایسته آگامی طبقاتی پرولترهای مبارز و همچنین همراهان شایسته

در جنبش جهانی طبقه کارگر باشد، بایستی حداکثر تلاش خود را بکنند تا از طریق همکاری و تحت هدایت نهاد های مرکزی ماضیات عدم دخالت اختلافات فردی را در مسیر و تعبیر و روشهای کاربرد اصول برنامه های حزبی را بنمایند. هر چه که درک ما از برنامه ها و وظایف پرولتاریای بین المللی عمیق تر و وسیع تر باشد، هر اندازه که ما به کار مثبت در گسترش و ترویج، تبلیغ بحثهای فعال و سازنده، و سازماندهی ارجح بگذاریم، و هر اندازه که از سکتاریسم، روحیه پست محفل گرائی و ملاحظاتی درباره جا و موقعیت دورباشیم، باید به همان اندازه بکوشیم که درباره اختلافات بین اعضا، حزب به آرامی و بر اساس شایستگی هایشان بحث کنیم و اجازه ندهیم که این اختلافات در کار ما داخله کنند، فعالیتهای ما را قطع کنند و مانع کار درست نهاد های مرکزی ما گردند.

شورای حزب به عنوان نهاد عالی حزب، تمامی حرکات نفاق افکنانه را بدون توجه به اینکه از طرف چه کسی است، امتناع از کار، شانه خالی کردن از حمایت مالی خزانه مرکزی حزب، تمامی تحریم ها، که فقط به منظور کنترل مبارزه، امیسل ایدئولوژیکی عقاید، نظرات و اختلافات جزئی به سطح روشهای فشار مکانیکی که در حدیک مشاجره زشت و ناپسند است شدیداً "محکوم میکند". حزب از اختلافاتی که تقریباً "ششماه است که به طول انجامیده، به جان آمده و موکداً" خواستار آرامش است. هیچ اختلافی در بین اعضا، حزب، هیچ ناراضی از ترکیب افراد هر یک از سازمانهای مرکزی نمیتواند تحریم یا روشهای مشابه مبارزه را که مشخص کننده فقدان اصول و ایده های ماست و نشانگر قربانی شدن منافع حزب و وسیله منافع محفل گرائی، و منافع جنبش طبقه کارگر فدای ملاحظاتی مقام و موقعیت میگردد، توجیه کند. البته در حزب ما همانطور که در هر حزب بزرگی اتفاق می افتد مواردی پیش می آید که چند عضو از برخی اختلافات

جزئی در فعالیت‌های یکی از سازمان‌های مرکزی مثلا از بعضی ویژگی‌های مشی آن سازمان ، یا از ترکیب فردی آن ، و غیره احساس عدم رضایت مینمایند . چنین اعضائی میتوانند و باید علت و ماهیت نارضائی خود را در نهاد له افکار رفیقانه ، یا از طریق بحث در نشریات حزب بیان کنند ، ولی این امر مطلقا " غیر مجاز و شایسته انقلابیون نیست که نارضائی خود را با توسل به تحریم بیان کرده به هر طریقی که میتوانند از حمایت کارمندی که تحت هدایت مردم و سازمان مرکزی حزب و توسط آنها هماهنگ شده امتناع ورزند . حمایت از مردم و سازمان مرکزی و کارکنان یکدیگر تحت هدایت مستقیم آنها وظیفه مشترک و روشن مابین عنوان اعضاء حزب است .

این چنین بی‌مسئولگی و هردمبیلی و روش زشت مکانیکی مبارزه که در بالا اشاره شد شایسته سرزنش‌های بی‌قید و شرط میباشد ، زیرا که میتوانند بطور کامل تمامی حزب را که وحدت آن صرفا و کاملا به اراده آزاد انقلابیون بستگی دارد متلاشی نمایند . و شورای حزب به کلیه اعضاء حزب یاد آور میشود که اراده آزاد در تصمیمات مشترک ما ، که هیچکدام هم مورد اعتراض قرار نگرفته بود ، دائر بر اینکه کلیه تصمیمات کنگره دوم و تمامی انتخابات شهرهای همه اعضاء حزب الزامی است بوضع و بیان گردیده است . کمیته سازماندهی به موقع خود ، که بخاطر عملش در ترتیب دادن کنگره مورد امتنان عمومی قرار گرفت ، در ماده ۱۸ مقررات کنگره دوم تصمیم زهر را که توسط تمامی کمیته‌های حزب تأیید شد پذیرفته است :

" تمامی تصمیمات کنگره و کلیه انتخاباتی را که انجام میدهد تصمیمات حزب

مسئد و اجرای آنها برای همه سازمانهای حزب الزام هستند • هیچ کس نمیتواند به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی به آنها اعتراض کند و فقط کنگره بعدی حزب میتواند آنها را باطل اعلام و اصلاح کند • "

این تصمیم که تمامی حزب آنرا در مقابل کنگره پذیرفت و بارها در خود کنگره نیز مورد تأیید قرار گرفته بمنزله قول شرف بود که تمامی سوسیال دمکراتها به همدیگر میدادند • بگذارند آنها این قول شرف را فراموش نکنند! بگذارند آنها فوراً تمامی شکایت های متقابل جزئی را کنار بگذارند! بگذارند آنها یکبار برای همیشه مبارزه عقاید را به چنان حدودی محدود کنند که به نقض قوانین با اختلال در فعالیتهای ملی و کار مثبت نیانجامد •

ترجمه از متن انگلیسی کلیات لندن

جلد ۷ صفحات ۱۴۷ - ۱۴۵

ژانویه ۱۹۰۴

گزارش درباره

وحدت حزب و انحراف آنارکو-سندیکالیستی

۱۶ مارس

رفقا فکر میکنم که لازم باشد بیشتر از این درباره این موضوع صحبت کنیم. چون موضوعاتی که میبایست اکنون درباره آنها اعلامیه ای رسمی از طرف کنگره یعنی از طرف تمامی حزب صادر میشد، قبلاً در کنگره مورد بحث قرار گرفته است. قطعنامه "وحدت" بمقیاس زیادی شامل ویژگیهای اوضاع سیاسی میگردد. حتماً همه شما قطعنامه چاپی منتشره را تا به حال خوانده اید. بند ۷ این قطعنامه اقدام استثنائی تحت این عنوان که حق اخراج یک عضو از کمیته مرکزی را با اکثریت دوسوم آراء اعضا کمیته مرکزی حاضر در جلسه عموم را مورد تأیید قرار میدهد. نحوه عمل با اعضا علی البدل و اعضا کمیسیون کنترل مرکزی جهت انتشار رسمی باشد این اقدامات مکرراً در کنفرانس های خصوصی که در آن نمایندگان همه کسانی که اختلافاتی داشته و عقایدشان را ابراز داشته اند مورد بحث قرار گرفته است. رفقا امیدواریم که ضرور نباشد تا این بند را به کار بندیم ولی لازم است با توجه به موقعیت جدید که در آستانه چرخش نوین و نسبتاً سریع هستیم و میخواهیم که تمام آثار تجزیه طلبی را نابود کنیم این بند را در اختیار داشته باشیم. حالاً اجازه میخواهیم تا به قطعنامه مربوط به انحرافات سندیکالیستی و آنارشستی بپردازیم. این موضوعی است که در چند چهره دستورالعمل کنگره

به آن برخورد شد • نحوه برخورد ما به جریانات معین ، یا انحرافات فکری ، محور اصلی کار تمام قطعنامه است • با اظهار کلمه " انحرافات " این تاکید را داریم که ما هنوز آنها را بعنوان چیزی متطور که به طور مطلق و کامل تعریف شده تلقی نمیکنیم ، اما آنها را فقط بعنوان شروع یک جریان سیاسی که بایستی مورد ارزیابی حزب قرار بگیرد مورد توجه قرار میدهیم ••••

یک انحراف هنوز یک جریان تمام عیار نیست • یک انحراف چیزی است که میتواند اصلاح گردد • مردم ممکن است تا حدودی همراه شده یا کجروی نمایند ، اما هنوز میتوان آنها را به راه راست کشید • بحقیقه من این همان چیزی است که کلمه روسی " اوکلون " معنی میدهد • این کلمه تاکید دارد که هنوز همه چیز تمام نشده است و مساله را میتوان اصلاح کرد ، کلمه قصد هشدار دارد و میخواهد مساله روی اصول و در تمام ابعاد آن مطرح گردد • اگر کسی میتواند که این فکر را با کلمه بهتری بیان کند و با تمام وجود حاضر به پذیرش آن هستیم • امیدواریم که مشاجره روی کلمات را آغاز نکنیم • ما اساساً این تر را بعنوان یک نظر اصلی مورد بررسی قرار میدهیم به خاطر اینکه وقتمان را در جهت دنبال کردن افکار مشابه فراوانی که گروه اپوزیسیون کارگری از آنها بسیار دارد هدر میدهیم • ما به نویسندگان و رهبران این جریانات اجازه میدهیم تا بعداً به این موضوع بهر دلیلی و به هر جهت در خاتمه قطعنامه ، بندی به آن اضافه کردیم که بر اساس آن مقرر گردید تا محلی برای تبادل جامع عقاید بین اعضا^۱ حزب در مورد تمام مسائل قابل طرح در نشریات و بولتن های مخصوص در نظر گرفته شود •

و اینک نمیتوانیم از طرح این مسئله طفره برویم • ما در حال دست و پنجه نرم کردن با مشکلات حادی هستیم • بایستی به خود بگوئیم که : اگر قصد داریم که وحدت مستحکمتری داشته باشیم ، باید انحراف مشخص را محکوم کنیم

از آنجائیکه انحراف پدیدارگشته است بایستی مسئله روشن و درمورد آن بحث شود. اگرچه بحث جامعی در این زمینه نیاز است، با تمام وجود پذیرای آن خواهیم بود، ما افرادی داریم که میتوانند روی هر نکته مشخص فصلها بنویسند و توضیح دهند و اگر آنرا مربوط و ضروری تشخیص دهیم مساله را در سطح بین المللی مطرح خواهیم کرد، زیرا همه شما شنیده اید که نماینده کمونیست بین الملل در گزارشش گفته است که انحراف چپ گرایانه مشخصی در صفوف جنبش طبقه کارگران انقلابی رخنه کرده است. انحرافی را که ما از آن صحبت میکنیم مشابه انحراف آنارشیستی حزب کمونیست کارگران آلمان است که مبارزه علیه آن در آخرین کنگره کمونیست بین الملل پدید آمد (۱). بعضی از اصطلاحاتی که برای بیان آن در آنجا به کار رفت فراتر از "انحراف" بود. شما آگاه هستید که این یک مسئله بین المللی است. بنا بر این اشتباه محض است که بگوئیم "دیگر بحث در این مورد کافی است والسلام" اما بحث های تئوریک یک مساله است و مشی سیاسی حزب - مبارزه ای سیاسی - مساله ای دیگر. ما بعضی مباحثه ای نیستیم. البته که، ما قادیبه نشر ولتن و نشریات بخصوص بوده و اینکار را هم ادامه خواهیم داد، اما اولین وظیفه ما مبارزه علیه بی روزی مخالفت های صده میباشند. این مهم احتیاج به وحدت دارد. اگر میخواهیم پیشنهاداتی چون ایجاد "کدکره تولیدکنندگان سراسری روسیه" که در بحث ها و مبارزات سیاسی جوان ارائه دهیم، آنگاه قادر نخواهیم بود تا متحداً پیش برویم. این آن سیاستی نیست که ما برای چند سال آینده، مان طرح ریزی کرده ایم. این سیاستی است که کارگروهی حزب را مختل میکند، چون نه تنها در تئوری غلط است، بلکه در تعریف غیر صحیح آن از رابطه بین طبقات هم

اشتهاء است. عامل قاطعی که در قطعنامه دومین کنفرانس کمونیست بین الملل مشخص گردیده بود و بدون آن مارکسیسم هم وجود نخواهد داشت. موقعیت امروز طوری است که عوامل غیرحزبی به تزلزلات خرده بورژوازی نه در موقعیت فعلی اقتصادی شوروی امر حتمی است، گردن خواهد نهاد. بایستی به یاد داشته باشیم که شرایط داخلی از بعضی لحاظ خطرات جدی تری از دنیای بیرون (هود و نوبچ) (بهارس آورد) وحدت مانهایستی صوری و ظاهری بلکه بسیار عمیق تر باشد. اگر بایستی این وحدت را به وجود آوریم، قطعنامه ای نظیر آنچه پیشنهاد شده بسیار ضروری بنظر میرسد.

ترجمه از متن انگلیسی کلیات لندن
جلد ۲۲ از صفحات ۲۵۴-۲۴۹

پایس ۱۹۲۱

توضیح :

- ۱- گروهی آنارشویست (چپ گرا) از حزب کمونیست آلمان جدا شدند و در آوریل سال ۱۹۲۰ حزب به اصطلاح کمونیست کارگران آلمان را تشکیل دادند. "چپ گرایان" نظرات آنارکو-سندیکالیستی و خرده بورژوازی را داشتند. نمایندگانشان در دومین کنفرانس کمینترن بنام "اوتورول" () و "۳ مرکز" () در جلب هرگونه حمایتی شکست خوردند و از کنفرانس خارج شدند. حزب آنها هیچگونه پشتیبانی در بین طبقه کارگر نداشت و بعد از هم پاشیده شد و به گروهی بی اهمیت و فرقه گرا تبدیل شد.